

### متن پرسش

استاد سلام: به تازگی احساس می‌کنم که ما باید خود را آماده غافلگیری‌های زیاد از جمله مثل سوریه و رفتن بشار اسد یا مثل دزدیدن مادورو کنیم. ما مکرر دیدیم که در این مدت چقدر این دو منفورترین و پست‌ترین‌های عالم یعنی نتیاها و ترامپ از رفتن عزیز دل ما حاج قاسم خوشحالی خودشان را ابراز کردند و گفتند اگر او امروز بود ما به این موفقیت‌ها نمی‌رسیدیم. چه شده است مگر؟ ما اعتقاد مان همان حرف امام بود که می‌فرمود نظام ما که دل به خدا دارد با رفتن اشخاص متزلزل نمی‌شود ولی الان در میدان داریم می‌بینیم که دشمن خیلی خیلی حساب شده دارد پیش می‌آید و برنامه قوی ریخته است ولی والله لحظه‌ای ترس در وجود ما نمی‌باشد ولی آیا در رده‌های بالا و مسئولین ما و فرماندهان الان ما نیز همینطور است؟ استاد عزیز من با تمام وجود به حقانیت و پیروزی‌هایی و دیدگاه تمدنی آقا ایمان زیادی دارم و لحظه‌ای تردید به خود راه نداده‌ام ولی کجاست آن اقتداری که روزی ما آمریکا و اسرائیل را به نابودی تل‌آویو و حیفا تهدید می‌کردیم؟ کجاست آن سرداری که می‌گفت سپاه قدس حریف شماست بیا ما منتظریم؟ کجاست آن حاجی زاده بزرگوار ما که می‌گفت وقتی فرمانده هوا فضا روسیه آمد ایران با پهپاد بالای ناو آمریکا رفتیم و او متحیر شده بود که آمریکا آن پهپاد را نزد و با تعجب پرسید چگونه؟ سردار فرمود اگر بزنند می‌زنیم و زدن این ناو هواپیما برای ما کاری ندارد؟ ولی همین امروز ما خبر زدن پهپاد سپاه را دیدیم ولی خبری از پاسخ نشنیدیم و هیچ واکنشی ندیدیم تازه ادامه مذاکرات محکم ادامه دارد. استاد والله من کسی نیستم که انقلاب را بخواهم زیر سوال ببرم و همواره هر روز آماده‌ام تا جانم را فدای سید علی‌کنم ولی استاد ما دیدیم که حرف‌ها و تهدید‌های ما در حرف باقی ماند و با واقعیت عمل خیلی فاصله داشت. چرا می‌خواهند به ما دلخوشی‌الکی بدهند؟ زمانی که پایگاه آمریکا را زدیم شروع کردند به گفتن این حرف که ما کار بزرگی کردیم و کلی آمریکا از ما ترسید ولی الان آقای عراقچی خودش ناخواسته اعتراف کرد که ما این بار اگر آمریکا حمله کند همانند قبل (نمادین) پاسخ نخواهیم داد پس یعنی حملات ما نمادین بوده است و همینطور هم بود آیا این خبر از سیاست‌های سازش با دشمنان انسانیت و خدا نیست که با سیاست‌ها ظاهر کار را حفظ کرده ولی باطن کار را به حاشیه برده‌اند؟ استاد ما لحظه شماری می‌کنیم تا فرصتی پیش بیاید تا این دشمنان حق و حقیقت را به خاک و خون بکشیم ولی فرصت‌ها دارند پیش می‌آیند و ما شاهد انتقام سختی از آنها نیستیم تا دل مستضعفین عالم را که از دست اینان خون است را خوشحال کنیم و حرف آخرم این است که اگر ما بتوانیم بزنیم و نزنیم بزرگ‌ترین ظلم را به خود و مستضعفان عالم کردیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ

غُلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در اینکه احساساتی این چنین مسئولانه را مد نظر دارید بسیار مهم است و نکاتی نیست که مدنظر نداشته باشیم. می‌ماند که حقیقتاً با توجه به آنچه می‌فرمایید ما اکنون در نسبت به حضور تاریخی انقلاب اسلامی در کجا هستیم. آیا با توجه به شرایط پیش آمده نوع حضور ما در جهان تغییر کرده و یا نسبت به اهداف تاریخی خود عقب افتاده‌ایم؟ به این امر به طور جدی باید فکر کرد و عرض عریضی را از ما طلب می‌کند. همین اندازه به این فکر کنید که چرا رژیم صهیونی و آمریکا تا این حد برای بقای خود مسئله آنها ایران شده است! آیا ما در مواضع تاریخی خود در جایی قرار گرفته‌ایم که جبهه مقابله با استکبار تغییر کرده و آنان از سر استیصال هر آنچه در توان دارند را برای مقابله با ما به میان آورده اند و یا ما کوتاه آمده‌ایم؟ بنده در این فکر هستم که گویا خداوند حضوری بس گسترده‌تر از آنچه در ابتدا مدنظر ما در مقابله با استکبار بود به میان آورده و اگر جبهه استکبار بحث مذاکره را به میان می‌کشد به امید آن است تا در تاریخ بی‌معنایی و بی‌تاریخی خود حضوری را برای خود شکل دهد که مسلم با عمق بی‌فکری جریان استکبار در این میدان نیز شکست خواهد خورد.

همین اندازه تقاضا دارم اجازه دهید نسبت به «تاریخی نگاه کردن» رخدادها زیاد فکر کنیم و جایگاه حادثه‌ها را در تاریخی که در صحنه است ببینیم که کار آسانی هم نیست. یادداشت‌هایی تحت عنوان «جایگاه بی‌تاریخی اغتشاشات اخیر در منظر تفکر توحیدی»

<https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۱۵۴۹> شده است. به نظر می‌آید با مرور به آن نکات بتوان به جایگاه تاریخی امروزین خود فکر کرد و اگر دیروز سخن از آن بود که در مقابل حمله اسرائیل حیفا و تل‌آویو را می‌زنیم و با خاک یکسان می‌کنیم. عنایت داشته باشید که این سخنان در قبل از تاریخ رخ داده ۷ اکتبر بود و مادر تاریخ پیش آمده توسط ۷ اکتبر عملاً در ادامه بودن اسرائیل و در حال منتفی شدن آن قرار داریم. پس باید ماورای آن نکات به بی‌تاریخی و بی‌آینده بودن اسرائیل فکر کرد که باز همچنان جای بحث دارد. موفق باشید.